

# بیم‌ها و امیدها در تاریخ‌نگاری جنگ

## فقد و بررسی و دیدگاه

مجید نداف

تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق راه‌رشد خود را هم‌چنان طی می‌کند و مورخان داخلی روز به روز به دستاوردهای پژوهشی تازه‌تری در این زمینه دست می‌یابند و بررسی‌های خود را در مورد این مقطع مهم از تاریخ ایران کمابیش به اهل علم و تحقیق عرضه می‌کنند. مورخان در هر نهاد و مرکزی چه نظامی و چه غیرنظامی تاکنون توانایی و بنیه‌ی تحقیقاتی خود را در قالب‌های متفاوت به نمایش گذاشته‌اند و بدین ترتیب امکان داوری نسبی‌ای را فراهم نموده‌اند؛ اما این‌که این کار، از چه زمانی و با چه انگیزه و سرمایه‌ای (استعدادهای بالفعل) آغاز شده و در مسیر خود با چه فراز و نشیب و موانعی روبه‌رو بوده و هست و آیا اساساً این مسیر از بدو راه‌اندازی، بدرستی بستر سازی شده یا خیر و برای جامعه‌ی علمی کشور از چه اعتبار و ارزشی برخوردار است، خود محل بحث و مناقشه است. در این باره دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. بنظر می‌رسد منشأ تفاوت دیدگاه‌های موجود در این زمینه، عمدتاً ایدئولوژیک، بینش‌های معرفتی، تا اندازه‌ای سلیقه‌ای و شاید به احتمال ضعیف‌تری نگاه از زاویه‌ی تنگ صنفی باشد، اما هر چه باشد در این میان جملگی معترف‌اند که محصول و دستاوردهای گروه‌های تاریخ‌نگار چه در مقایسه‌ی با سابقه این امر در جنگ‌های گذشته‌ی ایران و چه نسبت به توجه و تلاش‌های مراکز و محققان خارجی ایرانی و غیرایرانی قابل اعتنا هستند و با وجود تمام ضعف و کاستی‌های مشهود، گام‌های مهمی در این راستا برداشته شده است.

درج دو نمونه از دیدگاه‌های نسبتاً متفاوت، صرف نظر از این‌که با چه انگیزه و از چه خاستگاه فکری‌ای به تقریر در آمده است، به خوانندگان ژرف‌اندیش کمک می‌کند تا ضمن اطلاع و کسب آگاهی از کارهای انجام شده یا در حال انجام، تأثیرات و بازدهی آن‌ها را نیز تا حدودی درک نمایند و در پژوهش‌های بعدی و ادامه‌ی این راه، خلأهای احتمالی را کشف و جبران کنند. اگر در حال حاضر در زمینه‌ی جنگ ایران و عراق کتاب‌شناسی مطلوب صورت نگرفته تا محققان را در شناخت منابع، بیش‌تر و بهتر کمک کند، حداقل بزرگ‌نمایی این دیدگاه‌ها محتمل است که محقق را در دست‌یابی به ملاک‌ها و شاخص‌های انتخاب برای منابع معتبرتر و کم‌مسأله‌تر رهنمون سازد. این که بالاخره در حوزه‌ی مورد بحث، در ارتباط با تولید اسناد و مدارک مربوط به جنگ، کم‌کاری صورت گرفته (آقای بیات) یا خیر نسبت به تاریخ‌نگاری گذشته، تاریخ‌نویسان، اطلاعات، اسناد و مدارک بیش‌تری در دسترس دارند (آقای بهبودی)؟ استدلال‌هایی تأمل‌برانگیز و خواندنی را به همراه دارد و یا این که برخلاف بهبودی، کاوه بیات معتقد است در این عرصه و در آثار موجود ارزش داوری کم‌تر صورت گرفته و در سازمان‌های نظامی حتی ارتش به مسایل عینی‌تر نگرینسته شده است، برای جامعه‌ی علمی کشور دغدغه‌های ضروری ایجاد می‌کند تا در این فضا، راه‌های پیش‌گیری از خطاهای انسانی و اجتناب‌پذیر را به‌دور از حب و بغض‌های ایدئولوژیک و سیاسی، به‌طرز جدی‌تری مطالعه کنند و در واقع این مهم، بعنوان یک وظیفه‌ی خطیر و مسأله‌ی علمی و پژوهشی همواره مدنظر قرار گیرد.

**کم نبودند دانشجویان رشته تاریخ مثل  
شهید سید محمد اسحاقی که درس و مشق  
را از دانشگاه شهید بهشتی به جبهه ها  
کشاندند و با ریاضت و صف ناپذیری به تولید  
اسناد و مدارک تاریخی و تهیه گزارش های  
مستند و علمی اهتمام ورزیدند تا  
گرونولوژی (روز شمار) جنگ نوشته شود.**

به نظر می رسد که در میان نیروهای مردمی رزمنده و سپاه پاسداران این دغدغه به میزان کافی و به موقع ایجاد شد و برخلاف نظر آقای بهبودی، تاکنون ریاضت لازم و غیرقابل چشم پوشی در مسیر تاریخ نگاری جنگ نیز به عمل آمده است. آمار هزینه های انسانی امکاناتی و بودجه ای گواه است در زمان جنگ کوشش های طاقت فرسایی در این زمینه مصروف شده که اگر این گام های اساسی برداشته نمی شد حتی

مورخان متعهد مجبور بودند به مکتوبات ژورنالیستی نظیر "روزها بر رییس جمهور چه می گذرد" نوشته ی فرمانده کل قوای وقت (بنی صدر) بسنده کنند!

انبوه خاطرات به تقریر درآمده که بسیاری از آن ها در زمان وقوع حوادث به رشته ی تحریر درآمده و نیز روز شمار جنگ ایران و عراق که از سوی برادر ارجمند، بهبودی ستوده شده است محصول فعالیت چه کسانی و در چه دوره و شرایطی بوده است؟ کم نبودند دانشجویان رشته ی تاریخ مثل شهید سید محمد اسحاقی که درس و مشق را از دانشگاه شهید بهشتی به جبهه ها کشاندند و با ریاضت و صف ناپذیری به تولید اسناد و مدارک تاریخی و تهیه ی گزارش های مستند و علمی اهتمام ورزیدند تا گرونولوژی جنگ نوشته شود.

به هر حال در دو مقاله ی زیر هم از درون خانواده ی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و هم از زاویه ی مطالعه ی تاریخ معاصر ایران به موضوع تاریخ نگاری جنگ نگاه شده است. لذا فصل نامه با تشکر قبلی از دو نویسنده ی محترم و صرفا با ملاحظه ی تاریخ نگارش مقالات، ابتدا مقاله ی آقای هدایت الله بهبودی و سپس مقاله ی آقای کاوه بیات را به ترتیب درج می نماید.

دیدگاه اول) موانع تاریخ نگاری جنگ<sup>۱</sup>

دیدگاه دوم) تاریخ نگاری جنگ<sup>۲</sup>

یادداشت ها:

۱. کتاب نام آورد دفتر اول (بیست مقاله درباره ی ادبیات، تاریخ و فرهنگ دفاع مقدس / جنگ ایران و عراق)

به اهتمام علیرضا کمره ای صفحات ۳۳۳ تا ۳۳۴۲

۲. فصل نامه ی گفت و گو جنگ ایران و عراق بهار ۱۳۷۸ شماره ی ۲۳ صفحات ۲۳ تا ۱۹.

# موانع تاریخ نگاری جنگ

هدایت‌الله بیبودی\*

آسانی‌هایی که این دو گروه، به فراخور منابع در دسترس با آن رو به رو هستند یک پرسش هم چنان باقی است: آیا مورخان دوره‌های متأخر که به راحتی می‌توانند در دریای اطلاعات غوص کنند، همواره همه‌ی اطلاعات را در اختیار دارند؟ چه بسا مورخی نباشد که به جنگ جهانی دوم و نیز دست‌یابی به اسناد بایگانی انگلستان پس از مقررات اختفای سی ساله در این کشور، باز هم درباره‌ی امکان تاریخ‌نگاری برای این دوره می‌گوید: مگر تمامی داستان را هرگز به کسی می‌گویند؟ ناگفته‌ها و نانوشته‌ها همیشه وجود داشته‌اند. در زمان فراوانی مدارک و اطلاعات - نیز غیر از در دسره‌های طبیعی رو به رو شدن با انبوه منابع - این مشکل قدیمی هم چنان خودنمایی می‌کند. اکنون دو پرسش بسیار مهم و تعیین‌کننده برای نگارش تاریخ دفاع هشت ساله‌ی مردم ایران بدون اتکا به اسناد و مدارک و صرفاً با تکیه بر قرائن و برخی شواهد شفاهی پاسخ داده می‌شود: نخست این‌که، چرا ایران پس از آزادسازی خرمشهر در سال ۱۳۶۱ به ادامه‌ی جنگ تن داد؟ دوم این‌که، چرا ایران قرارداد ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را در سال ۱۳۶۷ پذیرفت؟ تمایل به ادامه‌ی جنگ و سپس پایان دادن به آن از بزرگ‌ترین تصمیم‌هایی است که کشوری در هنگامه‌ی نبرد می‌گیرد؛ چرا که سرنوشت کشور و ملت با چنین آهنگ‌هایی رقم می‌خورد.

بررسی منابع رسمی منتشر شده در داخل کشور درباره‌ی این پرسش‌های مهم نشان می‌دهد که آن‌ها با تکیه بر نظریه‌پردازی

رسیدن به پاسخ مثبت یا منفی این پرسش که آیا هنگام نگارش تاریخ جنگ (دفاع هشت سال مردم ایران از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ش) فرا رسیده است، نیازمند پاسخ گویی به پرسش‌های دیگری است که یکی از آن‌ها این است: آیا اسناد و مدارک این امر فراهم آمده است؟

جنگ ایران و عراق در زمانی واقع شد که از آن به نام زمان فراوانی اطلاعات و منابع یاد می‌کنند. بررسی این زمان، مشابهتی با مطالعه‌ی مقاطع تاریخی گذشته ندارد؛ مقاطعی که گاه مورخ در حسرت نبود آگاهی‌ها مجبور می‌شود از روی قرائن و حدس‌ها و گمان‌های خود، آن مقطع را بازسازی کند. فراوانی اطلاعات، تنوع منابع و نگاه‌ها و تحلیل‌های مختلف به اندازه‌ای است که گاه این تردید پیش می‌آید آیا مورخ می‌تواند از پس گردآوری، مطالعه، دسته‌بندی، تدوین و نگارش یک برش تاریخی - حتی به کوتاهی هشت سال - برآید؟

غوطه‌زدن در انبوه گزارش‌ها و اخبار، این اطمینان را در پی دارد که مورخ یا گروه مورخان در بررسی دوره‌ی مورد نظر خود - به دور از شائبه‌ی ذهن‌گرایی، موفق به دریافت و آرایه‌ی حقیقت واقع خواهند شد و چه بسا این باور را نیز موجب شود که محصول چنین پژوهشی، با تکیه بر چنان منابعی، عینیت مطلق آن قطعه‌ی تاریخی خواهد بود. اما موضوع درخور توجه این است با همه‌ی تفاوت‌های قابل‌شمارشی که در کار مورخان دو حوزه‌ی تاریخ گذشته و معاصر - از نظر کمبود و فراوانی اسناد و مدارک وجود دارد و نیز دشواری‌ها و

\* پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی

غبار آلود و وهم انگیز تا چه حد باید محتاطانه و عالمانه باشد. البته این سخنان هرگز به معنای نادیده گرفتن کارکردهای مثبت تبلیغات نیست. بدون شک تبلیغات در حفظ و ارتقای روحیه جنگ آوران و ملتی که خواسته و ناخواسته باید از جنگ یا دفاع خود حمایت کند سهم بسزایی ایفا می کند. گرچه این موضوع، گاه با نتایج مقطعی و نهایی جنگ هم خوانی ندارد. شکست مقطعی در اوآن جنگ یا اضمحلال نهایی در پایان یک درگیری نظامی، عاقبت طبیعی هر رویارویی نظامی است که یک طرف مخاصمه، ناگزیر از پذیرش آن است. اما نقش تبلیغات نمایانند و برجسته کردن پیروزی ها و پنهان کردن و توجیه شکست هاست. ناهم خوانی میان نتایج جنگ ها و تبلیغات، در برخی رویارویی های نظامی نظیر جنگ ایران و عراق از آن چه گفته شد نیز پیچیده تر بود، چرا که در این جا نتیجه و سرنوشت نهایی جنگ با پیروزی یک طرف و شکست - به مفهوم رایج و مطلق آن - طرف دیگر رقم نخورد. به عبارت دیگر، هر دو طرف خود را پیروز و طرف مقابل را شکست خورده تلقی می کردند. از نظر ایران، عراق آغازگر جنگ به شمار می آمد و از این نظر که به این کشور اجازه نداده بود تا به اهداف خویش که تجزیه ای استان خوزستان و در صورت امکان ساقط کردن انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی بود، دست یابد و توانسته بود پس از هشت سال پایداری مداوم همه ی حدود و ثغور کشور خود را حفظ کند و حتی ذره ای از خاک کشورش را در اختیار دشمن قرار ندهد، خود را در میدانی که ناخواسته وارد آن شده بود، پیروز و سربلند می دانست. از آن سو عراق هم با این اعتبار که هدف اعلان شده ایرانیان مبنی بر رسیدن به کربلا و نجف و تصرف اماکن مقدس شیعه را با ناامیدی مواجه کرد و سرزمین های از دسترفته ی خود را پس گرفت و نیروهای نظامی ایران را از آن مناطق بیرون راند و جنگ را به موقعیتی رساند که ایران به تلخی به پذیرش قطع نامه ی ۵۹۸ و آتش بس و صلح تن داد، خود را طرف پیروز خواند و به همین مناسبت جشنی بزرگ گرفت.

هر چند عمر تبلیغات به درازا نمی انجامد و به دلیل کارکرد موقت خود، با همان تندی که اوج می گیرد فرود می آید، اما در همان زمان کوتاه نیز بسیاری از مدارک و اسناد، هم چون

### هر رویدادی که در این قالب ها (آداب و رسوم

### ملی - مذهبی) بگنجد، احتمال ماندگاری آن

### فراوان است.

و تحلیل های خود به رویارویی با این مسایل پرداخته اند.<sup>۱</sup> البته بهره مندی مورخ از نیروی استنباط و مدد گرفتن از آن در بررسی های تاریخی، امری ضروری به شمار می آید، اما اعتبار این نیرو اگر با شهادت اسناد و مدارک همراه نگردد، دیری نخواهد پایید و به مقبولیت منطقه ای و جهانی دست نخواهد یافت، ضمن این که به ایجاد این توهم هم، دامن می زند که تاریخ نویسی کاری خطرناک است، زیرا دانسته یا ندانسته، ناگزیر، به مواضع زمان حال خدمت می کند، در حالی که سهم عمده ی مورخ را در آینده باید جست و جو کرد. کوشش مورخ برای رسیدن به واقعیت های تاریخی و در نهایت نمایانند حقایق تاریخی کوششی است فرا زمانی.

مورخ هم به پرسش های زمان حال خود پاسخ می دهد و هم پاسخ گوی پرسش های آیندگان است، چرا که انتشار مدارک تازه از تاریخ دوره ی هشت ساله ی جنگ در آینده - که احتمال وقوع آن فراوان است - به دریافت های کلی مورخ که البته به حقیقت منتهی می شود، خدشه ای وارد نخواهد کرد. از جمله پرسش های دیگری که باید پاسخی برای آن بیابیم این است که سهم تبلیغات در جلوگیری از نگارش تاریخ جنگ چه اندازه است؟ اگر ناقص بودن اسناد و مدارک برای باز یافت واقعیت های تاریخی و به ویژه سکوت اسناد درباره ی برخی مقاطع مهم و حساس تاریخی و در نتیجه روبه رو بودن مورخ با خلا اطلاعاتی را یکی از علل مادی در ناتوانی نگارش تاریخ جنگ به شمار آوریم، محاصره ی جنگ در دایره ی تبلیغات را باید از علل معنوی این ناتوانی بدانیم. تبلیغات، چاله های فریب بر سر راه مورخ است.

گسترش رسانه های گروهی، تنوع قالب های آن و بهره گیری از هنر های تصویری، تأثیر پذیری مردم را از این رسانه ها به شدت افزایش داده است. در چنین موقعیتی، تبلیغات به مثابه ی ابزاری کارساز و تأثیرگذار، جایگاه ویژه ای دارند. به همین جهت است که می بینیم زمینه سازی، آغاز، پیش برد و پایان جنگ ها در چند دهه ی اخیر با حضور آشکار این رجال فریبکار (تبلیغات) صورت می گیرد. امروزه پیش از آن که طبالان زورمند بر طبل جنگ بکوبند، نخست طبل تبلیغات را به صدا درمی آورند تا خون ریزی ها، توجیهی حقوقی و حتی انسانی داشته باشد. تبلیغات توانسته است صورت جنگ عادلانه را به شدت مخدوش کند و تجاوزهای نظامی را اقداماتی انسان دوستانه جلوه دهد. با در نظر گرفتن آن چه گفته شد می توان دریافت که گشت و گذار مورخ در چنین فضای

## تمایل به ادامه جنگ و سپس پایان دادن به آن از بزرگ ترین تصمیم هایی است که کشوری در هنگامه‌ی نبرد می گیرد؛ چرا که سرنوشت کشور و ملت با چنین آهنگ هایی رقم می خورد.

روزنامه‌ها، کتاب‌ها و سخنرانی‌های سران را آلوده می‌کند و مشکل این جاست که همین آثار مکتوب و شفاهی پدید آمده در هنگام جنگ، سال‌ها بعد برای هر مورخی به مثابه‌ی بخشی از منابع قابل رجوع به شمار خواهند آمد. از این رو برخورداری مورخ از پختگی و تجربه‌های کاری لازم، و عاملی مهم در حفظ و نگاه‌داری او از لغزیدن به گودال تبلیغات است.

از جمله پرسش‌های دیگری که در بخش تاریخ‌نگاری جنگ باید پاسخی برای آن یافت این است: پایان انحصارگرایی در تاریخ‌نویسی چه زمان فرا خواهد رسید؟ گردآمدن مهم‌ترین اسناد و مدارک پدیدآمده در طول جنگ نزد سازمان‌های نظامی، مسأله‌ای طبیعی است، اما آیا وجود این بایگانی‌های منحصر به فرد، دلیل قانع‌کننده‌ای برای نگارش تاریخ جنگ به دست سازمان‌های نظامی است؟ به تعبیر دیگر، اگر این سندها در مخزن دست نیافتنی این سازمان‌ها وجود نمی‌داشت آیا نظامیان هم چنان به نگارش تاریخ جنگ دست می‌زدند؟ پرسش دیگر این‌که با توجه به لزوم تحقق تقسیم کار در جوامع به شکل منطقی، آیا اقدام نهادهای نظامی به تاریخ‌نویسی جنگ اقدامی رواست؟

در این جا لازم است به موقعیت فعلی سازمان‌هایی که صاحبان اصلی اسناد و مدارک به شمار می‌روند و می‌توانند عرضه‌کننده‌ی خدمات اطلاع‌رسانی در امر تحقیق و پژوهش باشند، اشاره‌ی کلی شود. نخست این‌که، در این سازمان‌ها روش اطلاع‌رسانی و تعریف آن، یک سان نیست. برخی هدف اصلی خود را خدمت‌رسانی پژوهش‌گران و دانش‌پژوهان می‌دانند و برخی دیگر حتی یک برگ سند سوخته را هم در اختیار پژوهش‌گران قرار نمی‌دهند. شماری اندک از این سازمان‌ها با مدیریت کارآمد موفق شده‌اند بخشی قابل توجه از دارایی‌های اطلاعاتی خود را با سپردن به حافظه‌رایانه‌ها دسته‌بندی کنند تا دست‌یابی به هر موضوع، کوتاه‌ترین راه را بییماید. اما بیش‌تر اینان در نهایت فقط موفق به نگه‌داری اطلاعات شده‌اند بدون این‌که حتی توان موضوع‌بندی اولیه‌ی آن‌ها را داشته باشند. (سندهایی که از سنگرها و مراکز فرماندهی عراق در هنگام جنگ به دست ایرانیان افتاده، اکنون چنین وضعی دارند؟). به

نظر می‌رسد دغدغه‌ی اصلی این سازمان‌ها تملک کامل اسناد و مدارکی است که نسخه‌ی دومی از آن‌ها در هیچ مرکز دیگری وجود ندارد. این حس نامطلوب و این امساک آشکار در عرضه‌ی اسناد و مدارک، سازمان‌ها و مراکز مربوطه را به سوی این خط‌مشی ناپسند پیش‌رانده است که هرگونه بهره‌برداری از اسناد باید تحت الحفظ آن‌ها صورت گیرد و انتشار و تحلیل اسناد نیز باید در حیطه‌ی سازمان‌های متبوع این مراکز و با کارشناسان بومی آن‌ها به انجام رسد.<sup>۲</sup> این امر در نهایت به پدیدآمدن نوعی انحصارگرایی در تاریخ‌نویسی جنگ منجر شده است. این اتفاق در کشور ما افتاده است، یعنی دو سازمان نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بار جنگ را به دوش کشیده‌اند، هر یک جداگانه و با اتکا به مدارک موجود در بایگانی‌های خود اقدام به نگارش تاریخ جنگ کرده‌اند.<sup>۲</sup>

نگارش تاریخ جنگ به خامه‌ی سازمانی که جنگ کرده، کشته داده، زمین‌هایی را از دشمن ستانده، پیش‌روی کرده، عقب نشسته و بالاخره سهام‌دار اصلی این واقعه بوده، برای همه‌ی پژوهش‌گران به ویژه گروهی که منابع وابسته به حکومت‌ها را با تشکیک و دودلی واری می‌کنند، اطمینان‌آور نیست، چرا که سهم بودن در جنگ، حق دفاع از خود را برای این نهادهای نظامی محفوظ نگاه می‌دارد. بنابراین تولیدات مکتوب این سازمان‌ها، آشکارا دفاع‌هایی از عملکرد خود آن‌ها به شمار خواهد رفت. همین گرایش، فاصله‌ای فراوان میان آثار پدیدآمده و آن‌چه مورخ در نگارش تاریخ پای‌بند آن است به وجود می‌آورد. مورخ به کمک کنجکاوی و شوق بی‌ملال خود، اسناد پراکنده را از گوشه و کنار به دست می‌آورد و شهادت گواهان را که این اسناد در حقیقت چیزی جز آن نیست، با حوصله و دقت می‌سنجد؛ صدق و کذب خبرها را بررسی می‌کند و آن‌چه را واقعیت تاریخی نام دارد از آن میان به دست می‌آورد؛ واقعیت‌ها را با رشته‌ی علیت می‌پیوندند و از آن‌ها حقیقت تاریخی می‌سازد.<sup>۴</sup> این ویژگی‌ها در تاریخ‌نگاری سازمان‌های نظامی به چشم نمی‌خورد. گذشته از این، تولیدات این نهادها به اجبار از صافی منافع حاکمیت نیز می‌گذرد و موجب فاصله‌ی بیش‌تر میان آثار مطلوب و این منابع می‌گردد. با این حال همین منابع، تا پیش از آشکار نشدن اسناد و مدارک موجود در سازمان‌های نظامی و استفاده از آن‌ها در بازپژوهی‌های دیگر، به مثابه‌ی منابع دست اول مطرح خواهند بود.

درست نویسی به دست آمده‌اند، با این حال، فراهم کردن فضایی مناسب برای مورخ پیش شرط طبیعی چنین امری است. تاریخ‌نگاری چه در فضای مغموم و سرافکننده جامعه‌ی آلمان پس از جنگ جهانی دوم صورت پذیرد، چه در محیط خواستار توبه‌ی فرانسه در همین زمان، چه در فضای وهم‌آلود عراق پس از جنگ هشت ساله و چه در ایران که با تقدسات خود جنگ را همراهی کرد و آن را ستود، به طرز چشم‌گیری از نفرت‌ها و شوق‌هایی که بر جامعه حاکم است، تأثیر خواهد پذیرفت. مورخ اگر از میان نسلی برآمده باشد که این دوره‌ها را درک کرده و در آن‌ها زیسته است، نیازمند ریاضتی است که دو کفه‌ی احساس و عقل را هم‌تراز کند، آنگاه به کاوش وقایع و سپس بازنمایی حقایق بپردازد.

حال بازمی‌گردیم به پرسش نخستین این مقاله: آیا هنگام نگارش تاریخ جنگ فرارسیده است؟ نگارنده در این مقاله کوشید تا با پاسخ دادن به چهار پرسش فرعی، ذهن خواننده را به پاسخ اصلی رهنمون کند. مواردی که برشمردیم کلی‌اند و امکان دارد بر هر جامعه‌ای که دوره‌ی طاققت فرسای جنگ را پشت سر گذاشته است منطبق گردند. اما جامعه‌ی ایران غیر از این خصوصیات کلی، ویژگی‌های منحصر به خود را هم دارد که در این امر تأثیرگذارند. برخی از این ویژگی‌ها که در زیر به آن اشاره خواهیم کرد به دوره‌ای تعلق دارند که در حال گذر از آن هستیم و چه بسا در آینده دیگر وجود نداشته باشند و برخی دیگر به فرهنگ و منش فکری جامعه‌ی ایران مربوط می‌شوند.

۱- سطره‌ی انگیزه‌های سازمانی بر انگیزه‌های فردی: تقاضا برای نگارش تاریخ جنگ در این زمان، درخواست سازمان‌ها و نهادهای حکومتی است که مستقیم یا غیرمستقیم با جنگ و تبعات آن مرتبط هستند. این نهادها به دلیل امکان سرمایه‌گذاری در این کار، حق نظارت نیز دارند. همین نظارت، شائبه‌ی جهت‌گیری و اعمال سلیقه را ایجاد می‌کند که در تاریخ‌نگاری امری ناپسند به شمار می‌رود.

۲- فراهم نبودن فراغت مادی و معنوی برای مورخان: اگر پژوهش‌گران ما در استخدام مراکز پژوهشی نباشند که بیش‌تر چنین‌اند در هویت فردی، امکانات لازم اعم از فراغت زمانی و منابع مالی برای پرداختن به تحقیقی همه‌جانبه درباره‌ی تاریخ جنگ را ندارند. با فرض وجود این فراغت‌ها، باز هم تاریخ‌نگاری حرفه‌ای است جانکاه، چه رسد به این‌که حرف از غیبت آن‌ها در میان باشد.

۳- ابتلای جامعه به بیماری سیاست‌زدگی: سیاست‌زدگی

پرسش دیگر: آیا نگارش تاریخ جنگ در زمان حاکمیت احساسات (مجموعه‌ی دلبستگی‌ها و دلزدگی‌ها درباره‌ی این رویداد) امکان‌پذیر است؟ سنگینی شوق و نفرت بر فضای تحقیقات، امکان دریافت واقعیت‌ها و بازنمایی حقایق را از میان می‌برد. تازمانی که شعور، به مثابه‌ی جای‌گزینی شایسته جای شعار را نگیرد و کفه‌های احساسات و اندیشه هم‌تراز نشود، تاریخ‌نگاری که بی‌اندازه مرهون دوری جستن از خوش‌آمدها و بدآمدها است دست‌یافتنی نخواهد بود. ممکن است در فضایی که کفه‌ی عواطف و احساسات آن سنگین‌تر است، ادبیات مجال تنفس بیابد و جوانه‌هایش سربرآورد، اما تاریخ تا رسیدن به تعادل اندیشه و احساس، خوراکی برای رشد و نمو پیدا نخواهد کرد. ادبیات محصول خوب نویسی است در حالی که پیدایی تاریخ با درست نویسی همراه است. خوب نویسی در بند تحریک ذوق و جوشش قریحه است، اما درست نویسی مرهون گردش اندیشه است. دفاع هشت‌ساله‌ی ایران، به همین جهت در هر دو دهه‌ای که بر آن سپری شده، بهره‌ی چشم‌گیری از تولیدات ادبی برده است. بسیاری درباره‌ی این دفاع، خوب نوشته‌اند، اما شمار کسانی که برای درست نوشتن این جنگ پا پیش گذاشته‌اند، اندک بوده است. این نشان می‌دهد که فضایی مناسب برای پژوهش‌های علمی و تاریخ‌نویسی جنگ فراهم نشده است. بیان این مسأله بدین مفهوم نیست که مورخ، فضایی می‌خواهد سفید و خالی از همه‌ی رنگ‌ها، طعم‌ها و رای‌ها، تا این گفته‌ی سیسرو تحقق یابد که: تاریخ باید این اندازه جرات داشته باشد که یک کلمه‌ی دروغ بر زبان نیاورد، اما این اندازه هم وجدان باید داشته باشد که یک کلمه‌ی راست را نیز کتمان نکند. این، یعنی عینیت مطلق و به دست دادن عین واقع که با همه‌ی جذابیت‌اش، امری است ناممکن، چراکه ارزش عینی احکام تاریخ البته نمی‌تواند مطلق باشد، نسبی است و تا حدی احوال مورخ و اسناد<sup>۵</sup> اما آن‌چه در این جا به آن تأکید شده، آمادگی معنوی برای تاریخ‌نگاری است؛ آمادگی برای پذیرش حقیقت، به دور از احساساتی که تاکنون سعی در بیان واقع داشته است. چه بسا این آمادگی سرانجام به انطباق نتایجی بینجامد که از خوب نویسی و

**امروزه پیش از آن که طبالان زورمند بر طبل جنگ بکوبند، نخست طبل تبلیغات را به صدا درمی‌آورند تا خونریزی‌ها، توجیهی حقوقی و حتی انسانی داشته باشد.**

## مورخ اگر از میان نسلی برآمده باشد که این دوره‌ها را درک کرده و در آنها زیسته است، نیازمند ریاضتی است که دو کفه‌ی احساس و عقل را هم تراز کند، آنگاه به کاوش وقایع و سپس بازنمایی حقایق پردازد.

عاقبت محتوم جامعه‌ای است که رهبران فکری‌اش در کاربرد سیاست، دست و دل باز هستند. جامعه‌ی ما اینک از سیاست‌زدگی رنج می‌برد. هرچند ممکن است این بیماری پیکر حوزه‌های پژوهشی را آلوده نکرده باشد، اما از آن‌جا که خود جنگ، سهام‌دارانی فراوان در حوزه‌ی سیاست دارد، به چنین عارضه‌ای گرفتار آمده و تقدس آن وسیله و ابزاری برای اعمال سلیقه‌ها، بیان مواضع و انتشار جراید شده است. سالهای ۱۳۷۸-۱۳۷۷ آکنده است از این ابزارگرایی سیاستمداران.

۴- بدیهی شمردن حقانیت ایران در دفاع هشت ساله: این بدهت برای نسلی که جنگ کرده، جنگ دیده، دفاع خود را عادلانه و مشروع می‌داند طبیعی است، اما واژه‌های حقانیت، دفاع و مشروع در ترکیب حقانیت دفاع مشروع ملت ایران، ممکن است نتوانند برای همیشه، همسایه‌ی هم باشند. گذشت زمان، تغییر نسل و تبدیل سلیقه‌ها و ارزش‌ها، مزاحمی جدی برای این همسایگی است.

۵- تمایل به نگه‌داشت یادرویدادها از راه مراسم آیینی: آداب و رسوم ملی مذهبی ایرانیان از راه مراسم آیینی ماندگار شده است. بخش بزرگی از فرهنگ ایرانی که در جشن‌ها و سوگ‌های ملی نمایان می‌شود، با همین مراسم شکل گرفته است. هر رویدادی که در این قالب‌ها بگنجد، احتمال ماندگاری آن فراوان است، اما وقایعی که نتوانند جایگاهی در این مراسم آیینی پیدا کنند به همان اندازه در معرض فراموشی خواهند بود. نگه‌داشت رویدادها در قالب‌های مکتوب با این‌که در گذشته‌ی این سرزمین جلوه‌ای آشکار داشته در دوران معاصر، تمایلی است که عمر کوتاهی از آن می‌گذرد.

قراردادن این موانع بومی در کنار مشکلات کلی دیگری که از آن‌ها یاد شد، نشان می‌دهد که امکان تاریخ‌نگاری جنگ به مفهوم علمی آن هنوز فراهم نشده است. اما این استنتاج نباید ما را یک‌سره ناامید کند، چرا که نخستین گام‌ها در حال برداشته شدن است. اگر پس از بیست سال فاصله گرفتن از آغاز جنگ،

کوششی چشم‌گیر برای بازنمایی حقایق تاریخی جنگ صورت نگرفته، اما گزارش نویسی‌های فراوان و مدونی شکل گرفته است که در زمره‌ی منابع مهم تاریخ‌نگاری جنگ به شمار می‌آیند. کارهای سترگی چون روزشمار جنگ ایران و عراق یا جنگ نامه که حاصل سخت‌کوشی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران است و نیز تلاش ارتشیان در مجموعه‌ی کتاب‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس از مهم‌ترین گزارش‌های منتشر شده‌اند. تا جایی که می‌دانیم تلاش خارجی‌ان در این باره اگر ارزشی کم‌تر از گزارش‌های داخلی نداشته باشد، در نهایت جزو منابعی است که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد. این گزارش‌ها بیش‌تر براساس اخبار نه‌چندان دقیق روز تنظیم شده‌اند که از لحاظ تحولات بعدی، ارزیابی اهداف و مقاصد طرفین جنگ و پاره‌ای موارد دیگر کاستی‌هایی دارند و گفته می‌شود همین مجموعه‌ها نیز با پایان جنگ ایران و عراق و آغاز جنگ خلیج فارس در پی تجاوز عراق به کویت، متوقف یا به نحو چشم‌گیری از شمار آن کاسته شده است.<sup>۶</sup>

از امیدواری دو سویه‌ی دیگری نیز می‌توان خبر داد؛ پدیدارشدن شوقی بی‌مثال در یادمان نویسی از دفاع هشت ساله که دنباله‌ی آن تا زمان حال نیز کشیده شده است. از این رهگذر تاکنون شمار قابل توجهی کتاب منتشر شده است. این شوق که به‌طور قطع در تاریخ ایران بی‌نظیر است و آن رانهضت خاطره‌نویسی ایرانیان می‌توان نامید، نشان می‌دهد که مردم ایران هم زمان با جاگیر کردن یاد جنگ هشت ساله در مراسم آیینی، تمایلی فراوان به نگه‌داری یاد دفاع خود در قالب‌های مکتوب دارند.<sup>۷</sup> این کتاب‌های پرشمار از یک سو در ذیل منابع تاریخ‌نگاری جنگ می‌گنجد و از سوی دیگر نویدبخش پدیده‌های مشابه هرچند در ابعاد کوچک‌تر در تاریخ‌نگاری جنگ‌اند.

### یادداشت‌ها

۱. در این باره رجوع کنید به:  
خرمشهر تافا (سیری در جنگ ایران و عراق ۲)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، صص ۲۶-۲۵.  
ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس (عملیات رمضان و محرم)، جلد ششم، ۱۳۷۶، صص ۳۶-۲۲.
۲. برای آگاهی بیش‌تر از موقعیت سازمان‌های اطلاع‌رسانی، رجوع کنید به:  
کمان (دوهفته‌نامه‌ی ادب و هنر پایداری)، سال دوم، ش ۱۸ (۱۳۷۶/۷/۱۶)، ص ۲.
۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سلسله کتاب‌هایی را با عنوان روزشمار جنگ ایران و عراق و جنگ‌نامه در دست انتشار دارد. از این مجموعه تاکنون دوازده جلد منتشر شده است و امکان دارد در پایان، شمار آن‌ها به بیست مجلد برسد. سازمان عقیدتی سیاسی ارتش (دفتر سیاسی) با عنوان ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس تاکنون شش جلد از کارنامه‌ی نظامی خود را منتشر کرده است.
۴. زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲، صص ۱۱۱-۱۱۰.
۵. همان، ص ۱۲۲.
۶. برای اطلاع بیش‌تر در این باره رجوع کنید به:  
بیات، کاوه. تاریخ نگاری جنگ، گفت وگو (فصلنامه‌ی فرهنگی و اجتماعی)، ش ۲۳، بهار ۱۳۷۸، صص ۳۱-۱۹.
۷. رجوع کنید به:  
- کمره‌ای، علیرضا. راز و رمز خاطرات جنگ، کمان (دوهفته‌نامه‌ی ادب و هنر پایداری)، سال چهارم، ش ۸۴ (۱۳۷۸/۹/۲۳)، صص ۹-۶  
- جنگ و تجربه‌ی تاریخ نگاری



## تاریخ نگاری جنگ

کاوه بیات

تحولات جنگ، بررسی‌های ناموفقی نبودند. با توجه به ترجمه‌ی پاره‌ای از آن‌ها برای کارهای آموزشی و تحلیلی نیروهای مسلح، چنین به نظر می‌رسد که این بررسی‌های خارجی بر تلاش‌های داخلی بعدی در تدوین تاریخ جنگ بی‌تأثیر نبوده‌اند. اگر چه جهان غرب در تعبیر و تفسیر جنگ، مخالفت با ایران انقلابی و هواداری از رژیم عراق راه و روال خود را داشت، ولی این به معنای نادیده انگاشتن ابعاد واقعی اصل موضوع، یعنی سیر اصلی جنگ نبود. ایراد عمده‌ای که به این وجه از تاریخ‌نگاری جنگ یعنی وجه خارجی آن می‌توان وارد دانست، آن است که با خاتمه‌ی جنگ، تا حدود زیادی از تکاپو باز ایستاد. تا آن جایی که اطلاع در دست است، در پی خاتمه یافتن جنگ، و به ویژه پس از پیش آمد حوادثی چون حمله‌ی عراق به کویت و جنگ خلیج فارس که جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق را تحت الشعاع قرار داد، پژوهش‌گران غربی بررسی‌های چشم‌گیری در این زمینه ارائه نداده‌اند. ولی در ایران این روند، جهتی به‌کلی متفاوت به خود گرفت. یعنی برخلاف مراحل نخست جنگ که در طی آن تلاش داخلی قابل توجهی برای تدوین و نشر تاریخ جنگ ملاحظه نشد، از سال‌های میانی و نهایی جنگ به بعد این وجه جنبه‌ای مهم یافت.

### مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

تلاش‌های اولیه‌ای در این زمینه صورت گرفت. انتشار کتاب گذری بر دو سال جنگ، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب

جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق از هنگامی که در آخرین روز شهریور ۱۳۵۹ با تجاوز نیروهای عراقی به خاک ایران آغاز شد، تا زمانی که در ۳۰ مرداد ۱۳۶۷ با قرارداد ترک مخاصمه‌ی طرفین پایان پذیرفت، در مقام یکی از مهم‌ترین حوادث روز و در مقاطعی چند، حتی به عنوان مهم‌ترین این حوادث به صورتی مداوم و مستمر موضوع تفسیرها و گزارش‌ها قرار داشت. گزارش‌های روزانه و یا گزارش‌های گاه‌به‌گاه جراید و خبرگزاری‌ها به مناسبت عملیات جاری در جبهه‌های جنگ (که شاید جامع‌ترین آن‌ها را از لحاظ خارجی در دوره‌ی مجله‌ی جینز دیفنس، یکی از معتبرترین نشریه‌های تخصصی نظامی و از لحاظ داخلی نیز در مجله‌ی پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بتوان ملاحظه کرد) وظیفه‌ی بازتاب روز به روز این تحولات را برعهده داشتند.

در دوره‌ی جنگ در مقایسه با تلاش‌هایی که در خارج برای درک و شناخت این پدیده یا به عبارتی تدوین تاریخ آن جریان داشت، در خود کشور، تلاش چشم‌گیری در این زمینه ملاحظه نمی‌شود. انبوهی از کتب و رسایل خارجی که فهرست جامعی از آن‌ها نیز منتشر شده است<sup>۱</sup>، از جمله بررسی‌های جدی و جالب توجه آنتونی کوردزمن، افرایم کارش، شهرام چوبین و چارلز تریپ...<sup>۲</sup> با وجود آن که بیش‌تر بر گزارش‌های نه‌چندان دقیق روز مبتنی بودند و از لحاظ پیش‌بینی تحولات بعدی، ارزیابی اهداف و مقاصد طرفین و پاره‌ای موارد دیگر کاستی‌هایی داشتند ولی در مجموع در آرایه‌ی تصویری از

## در دوره جنگ در مقایسه با تلاش هایی که در خارج برای درک و شناخت این پدیده - یا به عبارتی تدوین تاریخ آن - جریان داشت، در خود کشور، تلاش چشم گیری در این زمینه ملاحظه نمی شود.

آن چه از ابتدای جنگ تاکنون رخ داده، از طریق مصاحبه با افرادی که در صحنه های مزبور حضور داشته اند اطلاعات دقیق کسب کند تا به جمع بندی مشخصی از چگونگی روند جنگ در ماه های گذشته برسد.<sup>۵</sup> چگونگی رشد و توسعه ی سازمانی این مرکز تا تبدیل به یک مرکز مستقل در حوزه ی فرماندهی کل سپاه در سال ۱۳۶۴، نحوه ی آموزش و هدایت راوین جنگ، نوع اسناد و مدارکی که در این تلاش گرد آمد... سی هزار ساعت نوار کاست، سیصد هزار برگ سند، نزدیک به هزار و سیصد عدد دفتر راوین، نزدیک به بیست هزار نشریه... بیش از هفت صد گزارش تحقیقی، چهار هزار برگ کالک و نقشه ی عملیاتی... «شهادت گروهی از راوین در خلال جنگ...» که در این نوشته ها به نحوی گذرا مورد اشاره قرار گرفته اند، خود می تواند در صورت تدوین، فصلی از تاریخ جنگ را به خود اختصاص دهد.<sup>۶</sup>

توانایی شناسایی و تعریف مراحل مختلف یک عملیات، توضیح هر یک از این مراحل به نحوی گویا و مفهوم، اجتناب حتی الامکان از طرح مباحث حاشیه ای، انضمام نقشه های همراه در تفهیم موضوع... از جمله خصوصیات بارز روش به کار رفته در کتاب نبرد فاو بود که با کیفیت فزاینده ای در بررسی های بعدی مرکز ادامه یافت.

یکی از این بررسی های بعدی، کتاب از خرمشهر تا فاو بود که در اردیبهشت ۱۳۶۷ منتشر شد. این کتاب، تحولات جنگ را از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ تا نحوه ی برنامه ریزی و اجرای عملیات آتی که بر توسعه ی جنگ به قلمرو دشمن نظر داشت، توضیح می دهد. موضوع فتح فاو و استراتژی دفاع متحرک عراق، بخش های پایانی این بررسی را تشکیل می داد. کتاب جنگ در سال ۱۳۶۵، کارنامه ی یکساله ی سپاه که در اواخر همان سال ۱۳۶۷ منتشر شد نیز به توضیح بیش تر همین موضوع، یعنی تحولات ناشی از فتح فاو، استراتژی دفاع متحرک و اقدامات ایران برای گشایش عرصه های جدید نظامی در محورهای دیگر عملیاتی برای مقابله با این استراتژی

اسلامی را در همان سال های نخست جنگ، می توان به عنوان یکی از مهم ترین نمونه های آن تلقی کرد، که نظر به مقتضیات وقت، بیش تر جنبه ای تبلیغاتی - توجیهی داشت. در این بررسی، گذشته از فصل میانی کتاب که مروری بر تحولات جنگ از شروع حمله ی عراق تا رهایی خرمشهر، فصلی در آغاز، به توجیه جنگ اختصاص یافته تحت عنوان «برکات جنگ» که از لحاظ ثبت رویکرد غالب در آن روزگار، نسبت به جنگ و نقشی که برای آن در شکل دادن به نظام برآمده از انقلاب قایل بودند، فصل جالب توجهی است. فصل پایانی کتاب نیز تحت عنوان «بعد جهانی جنگ تحمیلی» بررسی مواضع قدرت های جهانی و منطقه ای را نسبت به جنگ، مورد نظر دارد.

با نزدیک شدن جنگ به مراحل پایانی خود، اگر چه وجه تبلیغی - توجیهی فوق الذکر به قوت خود باقی ماند و هنوز هم بخش مهمی از مسایل و مباحث جنگ را تحت الشعاع دارد<sup>۷</sup>، ولی در کنار آن، نشانه هایی از شکل گیری و موجودیت یک رویکرد جدی تاریخی نسبت به ثبت و گزارش جنگ پدیدار شد؛ انتشار کتاب نبرد فاو، شرح چگونگی برنامه ریزی، تدارک و بالاخره اجرای عملیات والفجر ۸ که در بهمن ۱۳۶۴ به تصرف فاو، شبه جزیره ی استراتژیک عراق در دهانه ی اروند رود منجر شد، با فاصله ای چشم گیر از نوشته های تبلیغی - توجیهی پیشین، از نخستین علایم ملموس این دگرگونی بود. در واقع "نبرد فاو" را باید نخستین حاصل رسمی نهادی دانست که در چارچوب معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحت عنوان «مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ» شکل گرفته بود. در آثار بعدی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و یا جزوه های راهنمایی که در معرفی آن منتشر شدند، تاریخچه ی تأسیس و عملکرد آن، چنین توضیح داده شد: «چند ماه بعد از شروع جنگ ۸ ساله ایران و عراق، دفتر سیاسی سپاه که آن زمان از ارکان شورای فرماندهی سپاه بشمار می رفت در پی تأسیس قسمتی بنام تاریخ جنگ برآمد. انگیزه ی اصلی، حفظ تاریخ جنگ از گزند تحریفاتی بود که به خصوص از ناحیه ی جریان های لیبرالی در حاکمیت وقت، موقعیتی تهدید شونده داشت...<sup>۸</sup> مرکز مزبور پس از تقسیم جبهه به دو منطقه ی شمالی و جنوبی و تعیین محورهای هر یک، پژوهش گرانی را تحت عنوان «راوی» معین ساخت که تا با حضور مستقیم در هر یک از این محورها، اولاً... «در باره ی آن چه واقع می شود به تحقیق بپردازد. ثانیاً از

عراق اختصاص یافت.

در این میان جنگ خاتمه پیدا کرد و راهنمای عملیات جنگ هشت ساله، نخستین اثر مرکز مطالعات پس از پایان جنگ که در سال ۱۳۶۹ منتشر شد را نیز می‌توان به عنوان نوعی دستور کار آتی تلقی کرد. کتاب‌های از خونین شهر تا خرمشهر، نگاهی مجدد و دقیق تر به تحولات دو سال نخست جنگ، از فاو تا شلمچه و بالاخره از شلمچه تا حلیچه که در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ منتشر شدند، از آثار مهمی بودند که مرکز مطالعات در این زمینه منتشر کرد. این سه جلد کتاب، با در نظر گرفتن کتاب پیشین مرکز، از خرمشهر تا فاو، مجموعه‌ای را تشکیل داده‌اند تحت عنوان سیری در جنگ ایران و عراق.

مجموعه‌ی «گزارش‌های عملیات» از دیگر مجموعه‌هایی است که مرکز مطالعات در دست تدوین دارد. تاکنون از این مجموعه که چهارده عنوان آن معرفی شده‌اند،<sup>۸</sup> دو کتاب نبرد العمیه و نبرد شرق بصره مجلدات ۱۰ و ۱۱ مجموعه‌ی منتشر شده‌اند. نبرد العمیه، گزارشی است از نحوه‌ی تصرف و انهدام اسکله‌ی نفتی مزبور در شهریور ۱۳۶۵ که یکی از نخستین عملیات دریایی سپاه به شمار می‌رفت و نبرد شرق بصره یا عملیات کربلای ۵، شرحی است از یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عملیات نظامی ایران برای فایق آمدن بر خطوط دفاعی شرق بصره در زمستان همان سال.

حرکتی که در حول و حوش تدوین تاریخ جنگ آغاز شده است، به تکاپویی تبدیلی‌گرا دیده به مراتب وسیع‌تر و اساسی‌تر از صرف تاریخ جنگ. یکی از نشانه‌های روشن این دگرگونی را در شکل‌گیری مجموعه‌ی کتاب‌های روزشمار جنگ عراق و ایران می‌توان ملاحظه کرد که آن نیز از دیگر مجموعه‌هایی است که در مرکز تحقیقات در دست تدوین قرار دارد. از این

**امام می‌گفتند اگر بناست که شما جنگ را**

**ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این**

**وضع‌ی که شما دارید ادامه یابد و**

**شما موفق نشوید دیگر این جنگ تمام شدنی**

**نیست و ما باید جنگ را تا نقطه‌ای خاص ادامه**

**بدهیم و الان هم قضیه‌ی فتح خرمشهر**

**پیش آمده و بهترین موقع برای پایان جنگ**

**است.»**

مجموعه که قرار است در بیست جلد، حوادث روز به روز کشور را از منظر تحولاتی که زمینه‌ساز نهایی جنگ، و در پی آغاز جنگ، تحولات هشت ساله‌ی کشور را تا ترک مخاصمه شامل می‌شود تاکنون دوازده مجلد منتشر شده‌اند. نخست جلد‌های چهارم و پنجم، هجوم سراسری (تهاجم و پیشروی‌های عمده‌ی عراق) و هویزه آخرین گام‌های اشغال‌گر (زمین‌گیر شدن و توقف کامل دشمن) در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ و چندی بعد نیز جلد اول این مجموعه، پیدایش نظام جدید در سال ۱۳۷۵ که حوادث روزانه‌ی کشور را از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ در برمی‌گیرد و بالاخره جلد دوم، پیدایش نظام جدید تحت عنوان بحران در خوزستان که در سال ۱۳۷۷ منتشر شد و...، به رغم توجه خاص به تحولات خوزستان، سایر رخداد‌های کشور را نیز مورد اشاره دارد.

مروری بر مضامین مورد بحث در جلد اول کتاب پیدایش نظام جدید که تحت عنوان "بحران‌های داخلی و تولد نیروهای مسلح انقلاب" منتشر شده است، خود گویای ارج و ارزش تاریخی این مجموعه است. در هر بخش، حوادث و رخداد‌های هر روز در درجه‌ی اول براساس گزارش‌های جراید و خبرگزاری‌های داخلی و خارجی منعکس شده، در کنار این گزارش‌ها، تفاسیر و آرای مختلفی نیز که در همان ایام در باب این حوادث، ابراز شده‌اند از آرا و گفته‌های دولت مردان وقت گرفته تا بیانیه‌های گروه‌ها و گروهک‌های مخالف نقل شده‌اند. مثلاً در باب وقایعی چون حوادث ترکمن صحرا و کردستان، نه فقط اصل خبر که واکنش جناح‌های مختلف سیاسی را نیز در قبال این رخدادها شامل می‌شود. اکثر حوادثی که در این روزشمار مورد اشاره قرار دارند، از حوادث حساس و بحث‌انگیز انقلابند، لذا بیم آن‌که مورد تحریف و تعبیرهای خاص نیز قرار گیرند بسیار است. ولی انصافاً چنین به نظر می‌آید که در این روزشمار، بنای کار بر بازتاب هر چه عینی‌تر امر و بازسازی نزدیک به واقع حوادث بوده است. احتمالاً اگر هم کاستی‌ای در کار است، بیش‌تر به دلیل کاستی‌های موجود در نظام کتابخانه‌ای و اطلاع‌رسانی کشور به نظر می‌آید تا قصد و غرضی آگاهانه در دگرگون و انمود ساختن وقایع.

یکی از منابع ارزشمندی که به ویژه در تدوین مجلدات بعدی روزشمار مورد استفاده بوده، گزارش‌های داخلی دست‌اندرکاران جنگ است، از بولتن‌های داخلی سپاه گرفته تا گزارش‌های شهربانی و غیره که در فراهم آمدن تصویری از برداشت‌های دقیق یا نادقیق مقامات و مسؤولان وقت از

## در سال هشتم جنگ که با قدرت نمایی آشکار و مداخله‌ی صریح ایالات متحده در خلیج فارس و تعرض‌های موفقیت‌آمیز عراق در جبهه‌های فاو، شلمچه، مجنون، زبیدات، دهلران، قصر شیرین... توأم شد، کل وضع به ضرر ایران چرخید و جز پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ چاره‌ دیگری بر جای نماند.

همان گونه که اشاره شد تا پیش از شکل‌گیری و توسعه‌ی نهادهای دیگر نظامی مانند بسیج و سپاه، در واقع در کل جبهه‌های جنگ به استثنای برخی حوزه‌های شهری چون خرمشهر، آبادان، سوسنگرد... برای مقابله با دشمن، جز ارتش، نیروی منسجم دیگری وجود نداشت. خوشبختانه پنج مجلدی نیز که تاکنون از مجموعه هشت سال دفاع مقدس منتشر شده‌اند از عملیات نظامی ارتش در این دوره، یعنی دو سال نخست جنگ شرح دقیق و قابل توجهی به دست می‌دهند.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در بررسی و تبیین نقش ارتش در مراحل نخست جنگ موضوع بحث می‌باشد، مسأله‌ی عدم آمادگی ارتش برای مقابله با حمله عراقی‌ها است. می‌دانیم که در فاصله‌ی نه‌چندان طولانی پیروزی انقلاب تا حمله‌ی عراق، ارتش به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی اقتدار رژیم گذشته، بحرانی گسترده را تجربه کرد. نگرانی‌های ناشی از امکان بهره‌برداری نیروهای داخلی و خارجی مخالف انقلاب از آن، به انضمام تحریکات مستمر گروه‌های چپ که اصولاً با وجود چنین نیرویی مخالف بودند، هم‌چنین پیش‌آمد حوادثی چون بمباران آثار برجای مانده از حضور آمریکایی‌ها در طبرس توسط نیروی هوایی، کشف "کودتای نوزده..." روند پاکسازی‌ها و دگرگونی‌های نسنجیده‌ی جاری را چنان شدت بخشید که در اندک زمانی از توانایی ارتش به نحو فاحشی کاسته شد.

اگر چه در این کتاب‌ها به چگونگی امر، یعنی سرگذشت ارتش در فاصله‌ی انقلاب تا حمله‌ی عراق، جز به نحوی گذرا اشاره‌ای نشده است، 'ولی موقعیت نابرابر ارتش ایران در برابر نیرویی که در آستانه‌ی جنگ در مقابل خود داشت، به روشنی تصویر شده است،' یکی دیگر از نکاتی که در این بررسی مطرح گردیده که به نظر مهم می‌آید، نوع دیگر و دیرینه‌تری از

حوادث مورد بحث مفید است. انضمام چکیده‌ای از اهم مطالب مورد بحث در انتهای هر جلد تحت عنوان "گزارش روزشمار" و هم‌چنین یک فهرست اعلام جامع، بهره‌برداری از این منابع را که به‌صورتی مناسب نیز حروف‌چینی و صفحه‌آرایی شده‌اند، تسهیل کرده است.

در کنار این مجموعه‌ها، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تک‌نگاری‌هایی را نیز منتشر کرده که خرمشهر در جنگ طولانی، سرگذشت مفصل این شهر از بدو انقلاب تا سقوط آن به دست عراقی‌ها در اوایل آبان ۱۳۵۹ یکی از نمونه‌های بارز آن است. جای آن دارد که در این زمینه از خرمشهر در اسناد ارتش عراق از انتشارات واحد اسناد حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نیز یاد شود که با اشتغال بر مجموعه‌ای از اسناد برجای مانده از ارتش عراق، تصویری از دوران اشغال خرمشهر به دست می‌دهد.<sup>۱</sup>

### گروه نگارش تاریخ نظامی ارتش

گذشته از سپاه پاسداران که به تلاش‌های آن در تدوین و ثبت تاریخ جنگ اشاره شد، رکن دیگر جنگ، ارتش بود. در واقع در مقاطعی چند و به‌ویژه در مراحل نخست جنگ که هنوز نیروهای دیگر نظامی شکل نگرفته بودند، ارتش تنها رکن جنگ بود. سهم آن در ثبت رخدادهای جنگ، به‌ویژه مراحل اولیه‌ی آن سهم مهم و درخور توجهی است.

مهم‌ترین تحقیقی که از سوی ارتش در این زمینه در دسترس قرار گرفته مجموعه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس می‌باشد که تاکنون پنج مجلد آن از سوی "سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت تبلیغات و روابط عمومی (دفتر سیاسی)" منتشر شده است. برخلاف "مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه" که از نحوه‌ی شکل‌گیری، اهداف و روش کار آن اطلاعات درخور توجهی در دست می‌باشد، در مورد شکل‌گیری و روش کار "گروه نگارش تاریخ نظامی ارتش" آگاهی مشابهی موجود نیست. کتاب‌شناسی هشت سال دفاع مقدس که در سال ۱۳۷۵ از سوی اداره‌ی آموزش ستاد مشترک ارتش منتشر شده است از حدود ۶۰ تحقیق و رساله‌ی نظامی نشان دارد که ظاهراً برای کاربردهای داخلی و آموزشی در ثبت و تحلیل عملیات مختلف جنگ تدوین شده‌اند. بخش مهمی از این کتب و رسایل توسط صاحب‌نظرانی به رشته‌ی تحریر درآمده که در تدوین مجموعه‌ی ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس دست داشته‌اند.

سهل‌انگاری نظامی است که تاکنون مورد اشاره قرار نگرفته بود. اگر چه نابسامانی‌های ناشی از انقلاب، نقش مهمی در تضعیف ارتش داشت، ولی به نظر می‌آید که برخی از کاستی‌های آن از پیشینه‌ای دیرینه‌تر برخوردار بوده‌اند. گذشته از سیاست نظامی شاه، مبنی بر جلوگیری از رشد شخصیت‌های نیرومند و مستقل در عرصه‌ی فرماندهی ارتش که آن‌را در نحوه‌ی سازماندهی فرماندهی عالی نیروهای مسلح در آن دوره نیز می‌توان ملاحظه کرد، در پاره‌ای زمینه‌های دیگر هم نمونه‌هایی از عدم تدبیر و دوراندیشی به چشم می‌خورد. بخشی از فصل مهم "مقدمات تجاوز عراق" در جلد سوم هشت سال دفاع مقدس که به توضیح مختصر پیشینه‌ی تدابیر نظامی ایران در مقابل خطر عراق اختصاص دارد، از این حکایت دارد که دولت وقت به رغم آگاهی از ضرورت تشکیل و حضور یک نیروی زرهی کارآمد در جبهه‌ی خوزستان، هیچ‌گاه به تحقق تمامی جوانب این ضرورت موفق نشد. علاوه بر این، احداث سه رشته استحکامات مرزی که می‌بایست محور شلمچه پلانیه را پوشش دهد نیز با انعقاد قرارداد الجزایر در سال ۱۳۵۳ ناتمام می‌ماند.<sup>۱۲</sup>

هشت سال دفاع مقدس نیز همانند بررسی‌های متأخر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، بنای کار را بر اراییه‌ی یک تصویر واقعی از تحولات جنگ قرار داده است، و از آن جایی که احتمالاً اهداف آموزشی نیز مدنظر می‌باشند، در پاره‌ای موارد از ارزیابی انتقادی عملیات مورد بحث نیز کوتاهی نکرده است.<sup>۱۳</sup>

#### مسائل بحث نشده‌ی جنگ

تاریخ‌نگاری جنگ در مقایسه با بدنه‌ی اصلی تاریخ‌نگاری ایران معاصر، پدیده‌ی کاملاً پیشرفته و متمایز است. در حالی که بخش مهمی از بررسی‌های تاریخی جاری را طیف متنوعی از گزارش‌های ژورنالیستی و کتاب‌سازی‌های عامه‌پسند از یک سو و معدود آثار جدی و درخور توجه از سوی دیگر تشکیل می‌دهد، تاریخ‌نگاری جنگ در حوزه‌ای بی‌ارتباط با این بدنه‌ی اصلی و در انزوای خود به شیوه‌ای در شناسایی و تعریف موضوع مورد بحث و توضیح و توصیف مراحل مختلف آن دست یافته است، به‌کلی متفاوت از روال حاکم بر

#### تاریخ‌نگاری جنگ در مقایسه با بدنه‌ی اصلی

#### تاریخ‌نگاری ایران معاصر، پدیده‌ی کاملاً

#### پیشرفته و متمایز است.

تاریخ‌نگاری متعارف کشور. تقویت و تحکیم این حرکت پژوهشی که به‌نظر می‌آید لاقلاً از لحاظ نشر، در سال‌های اخیر اندکی کند و بطئی شده است، گام مهمی است در این جهت. یکی از نخستین نکاتی که در این زمینه می‌توان متذکر شد، لزوم گسترده شدن حوزه‌ی بررسی است؛ برای مثال از تاریخ و عملکرد نیروی هوایی و نیروی دریایی و همچنین نقش رسته‌های توپخانه، هوانیروز، مهندسی و لجستیک ... در جنگ، بررسی‌های جامع و مستقلی در دست نیست. از پاره‌ای جوانب جنبی جنگ مانند نقش ستاد جنگ‌های نامنظم شهید چمران یا عملیات گروه‌های کرد هوادار ایران در خاک عراق و یا بالعکس، نحوه عملیات گروه‌های کرد هوادار عراق در خاک ایران نیز اطلاع درخور توجهی منتشر نشده است.

اگر چه در ادامه‌ی همین بحث برای پاک‌رفتن جنگ و گسترش حوزه‌ی کار آن، از ضرورت تخصیص بودجه و امکانات بیش‌تر به تلاش‌های جاری، تشکیل واحدهای درسی ... و انبوهی از پیشنهادهای مشخص دیگر می‌توان یاد کرد، ولی احتمالاً آن چه پیش از هر پیشنهاد مقطعی دیگری به این امر می‌تواند کمک کند، طرح و بحث آن بخش از مسایل جنگ است که به رغم حضور ملموس و وجود محسوس خود در افکار عمومی هنوز به‌نحوی جدی مورد بحث قرار نگرفته است. در این‌که انقلاب ۱۳۵۷ بر تحولات منطقه‌ای، و به‌ویژه حرکت‌های اسلامی جاری در کشورهای همسایه تأثیر چشم‌گیری نهاد، تردید نیست. هم‌چنین می‌دانیم که ماجرای "صدور انقلاب" نیز یکی از نکات اصلی تبلیغات رژیم عراق را در توجیه تهاجم بعدی خود به ایران تشکیل می‌داد، اما موضوعی که در این میان هنوز به‌نحوی اساسی مورد بررسی قرار نگرفته آن است که کدام بخش از رخدادهایی که در این عرصه صورت گرفت و در فراهم آمدن زمینه‌ی پیش‌آمد جنگ مؤثر واقع شد، جنبه‌ای اجتناب‌ناپذیر داشت و کدام یک نیز قابل کنترل بود. برای به‌دست آوردن تصویری واقعی از زمینه‌های بروز جنگ، تفکیک این دو موضوع از یکدیگر لازم است. به عبارت دیگر، در عین حال که از لحاظ انگیزه‌های تاریخی و سیاسی، در اقدام به تعرض و آغاز جنگ چنان چه در بررسی ارزشمند دکتر منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ<sup>۱۴</sup> نیز بیان شده است، بحثی نیست ولی هنوز واکنش و عملکرد تشکیلات برآمده از انقلاب در قبال تحولات جاری در عراق مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است.

موضوع اختلاف نظرهایی که از لحاظ اتخاذ سیاست‌های

خمینی با روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، بر لزوم خاتمه‌ی "به هنگام" جنگ بعد از فتح خرمشهر اشاره کرد. حجت‌الاسلام حاج سیداحمد خمینی در بخشی از این مصاحبه در مورد تصمیم‌گیری درباره‌ی جنگ بعد از فتح خرمشهر چنین می‌گوید: «در مقابل مسایل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود. اما بالاخره مسؤولان جنگ گفتند که ما باید تا کنار شط العرب (اروند رود) برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلاً با این کار موافق نبودند و می‌گفتند اگر بناست که شما جنگ را ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید ادامه یابد و شما موفق نشوید دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و ما باید جنگ را تا نقطه‌ای خاص ادامه بدهیم و الان هم قضیه‌ی فتح خرمشهر پیش آمده و بهترین موقع برای پایان جنگ است.»

اگر این بحث و نقل قول مشخص در چارچوبی فراتر از یک مقطع کوتاه از تاریخ جنگ، یعنی فراتر از دوره‌ای که در پی استرداد خرمشهر، در مورد تعیین خط مشی بعدی جنگ بحث‌هایی جریان داشت، نگریسته شود؛ می‌تواند این شبهه را پیش آورد که شخص رهبر انقلاب نیز مانند برخی از جریان‌های سیاسی ایران آن روز، با ادامه جنگ مخالف بوده‌اند، حال آن‌که می‌دانیم که از نظر تاریخی، این برداشت صحیح نیست و نظری هم که در این زمینه بیان شد، مربوط به یک دوره‌ی کوتاه و گذرا بوده است.<sup>۱۷</sup>

نمونه‌ی فوق‌الذکر، در عین حال که بیان‌گر اهمیت و حساسیت مباحثی از این دست است، بیان‌گر آسیب‌پذیری و امکان بدفهمی چنین مباحثی نیز می‌باشد. دلیل اصلی این ضعف و آسیب‌پذیری نیز در درجه‌ی اول در کوتاهی مقامات ذی صلاح و مطلع در انتشار داده‌های متقن در این زمینه است، حال آن‌که بدون آگاهی از دلایل و انگیزه‌های رهبری وقت کشور در ادامه‌ی جنگ جدای آن‌چه در سطح شعارها و تبلیغات جنگی وقت مطرح می‌شد به یک ارزیابی صحیح از این مقطع نمی‌توان دست یافت.

### مهم‌ترین موضوعی که در مراحل بعدی جنگ

مطرح می‌شود که آن نیز هنوز بنحوی جدی

مورد بحث قرار نگرفته، موضوع ادامه‌ی عدم

ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر و استرداد

ارضی اشغال شده کشور است.

جنگی در میان رهبری وقت کشور پیش آمد نیز از جمله مضامینی است که هنوز تصویر دقیق و مستندی از آن در دست نیست. در حالی که ابوالحسن بنی‌صدر در خاطراتی که به زبان انگلیسی از وی منتشر شده روایت قابل بحث، ولی غیر قانع‌کننده‌ای از دیدگاه و عملکرد خود در این دوره عنوان کرده است،<sup>۱۵</sup> آن‌چه تاکنون در منابع داخلی در توضیح نقش بنی‌صدر منتشر شده، از پاره‌ای اتهامات کلی و تأکید بر سوءنیت مشارالیه فراتر نرفته است. هنوز واقعا نمی‌دانیم نابسامانی‌های حاکم بر هدایت جنگ در مراحل اول کار تا چه حد حاصل رقابت‌های سیاسی وقت بود و تا چه حد نتیجه‌ی به هم ریختگی‌های انقلاب که برای فایق آمدن بر آن‌ها لاجرم به گذشت زمان احتیاج بود. به عبارت دیگر، واقعاً روشن نیست که این نابسامانی تا چه حد ناشی از بی‌تجربگی بود و ندانم کاری و تا چه اندازه ناشی از سوءنیت و قصد خیانت. تنها با انتشار اسناد و صورت جلسات قابل نشر فرماندهی عالی جنگ در این مقاطع است که وضعیت واقعی امر می‌تواند روشن شود و در نتیجه بحث مزبور نیز از یک رشته اتهامات متقابل خارج شود.

مهم‌ترین موضوعی که در مراحل بعدی جنگ مطرح می‌شود که آن نیز هنوز به‌نحوی جدی مورد بحث قرار نگرفته، موضوع ادامه یا عدم ادامه‌ی جنگ بعد از آزادی خرمشهر و استرداد ارضی اشغال شده کشور است. ضایعات و تلفات ناشی از ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر و هم‌چنین پایان نه‌چندان دلخواه جنگ در مراحل بعدی، باعث آن شده است که آن‌چه به عنوان یک نظریه سیاسی از میان چندین و چند نظر سیاسی دیگر در آن دوره مطرح شد، یعنی لزوم خاتمه دادن به جنگ در پی آزادی خرمشهر به‌نحوی فزاینده در سطح عمومی رواج یابد.

برای نشان دادن اهمیت و حساسیت این موضوع و این‌که چگونه هر داده و اطلاع جدیدی می‌تواند چارچوب واقعی بحث را دگرگون سازد، می‌توان به نمونه‌ی زیر اشاره کرد. چند سال پیش در سرمقاله‌ی یکی از نشریات جدی و معتبر کشور<sup>۱۶</sup>، پس از طرح مواردی چون اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری و دیگر مسایل مربوط به سیاست خارجی کشور در تأکید بر ضرورت "به هنگام بودن" و لزوم سرعت عمل در تصمیم‌گیری‌های حیاتی کشور که در مجموع بحث درست و جالب توجهی بود در اشاره به یک مورد دیگر از "موقع‌شناسی و به هنگام بودن" بحث جنگ مطرح شد. این نشریه با استناد به بخشی از یکی از مصاحبه‌های حجت‌الاسلام سیداحمد

## باز شدن جنبه های اساسی و بحث نشده جنگ، امر سهل و آسانی نیست و بدون تردید با تنش ها و اختلاف نظرهایی توأم خواهد شد، ولی نه فقط رشد و تعالی جریان نبر و مند و معقولی که هم اکنون در حول و حوش تاریخ نگاری جنگ شکل گرفته است.

موضوع دیگری که در این زمینه مطرح است و همانند مضامین فوق الذکر در چارچوب بررسی های انجام شده مورد بحث قرار نگرفته، مرحله ی پایانی جنگ است. در سال هشتم جنگ که با قدرت نمایی آشکار و مداخله ی صریح ایالات متحده در خلیج فارس و تعرض های موفقیت آمیز عراق در جبهه های فاو، شلمچه، مجنون، زبیدات، دهلران، قصرشیرین... توأم شد، کل وضع به ضرر ایران چرخید و جز پذیرش قطع نامه ی ۵۹۸ چاره ی دیگری بر جای نماند.

این دگرگونی غیرمنتظره هنوز هم از نقطه نظر توضیح و تبیین تاریخی، به حال مبهم و ناروشن خود باقی مانده است. کتاب گذر از بحران ۶۷ که در "تحلیل سیاسی هشتمین سال جنگ"، چند صباحی پس از پذیرش قطع نامه در بهمن ۱۳۶۸ از سوی دفتر سیاسی سپاه پاسداران منتشر شد از تصویر تمامی ابعاد این دگرگونی، به ویژه بخش نظامی آن قاصر ماند. در واقع، فقط در بخش پایانی کتاب آغاز تا پایان، بررسی وقایع سیاسی نظامی جنگ از زمینه سازی تهاجم عراق تا آتش بس، آخرین جلد از مجموعه ی سیری در جنگ ایران و عراق مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است که برای توضیح ابعاد نظامی این دگرگونی سعی و تلاش مختصری به عمل آمده است. اگر چه همان گونه که اشاره شد، با توجه به داده های موجود، در حال حاضر از این موضوع که آیا جنگ در سال دوم جنگ، و در پی رهایی خرمشهر می بایست خاتمه یابد یا خیر، ارزیابی دقیق و منصفانه ای نمی توان به دست داد، ولی در این که مراحل بعد و به ویژه پیش از به وجود آمدن وضعیت قابل پیش بینی سال هشتم جنگ، می بایست برای خاتمه دادن به جنگ تدبیری اندیشه می شد، نیز تردیدی نیست.

در سال ۱۳۶۷ توضیح بیش تر در باب علل پذیرش قطع نامه ی ۵۹۸ به فرصت و فراغتی دیگر موکول شد. احتمالاً وضعیت بحرانی کشور در آن دوره نیز اقتضای طرح و بحث گسترده و آشکار این موضوع را نداشت. ولی ادامه سیاست سکوت در این

باب نیز خط مشی مناسبی به نظر نمی آید، به ویژه آن که به هر حال با باز شدن فضای مطبوعاتی کشور در سال های اخیر، هم اکنون جوانبی از این بحث مطرح شده و احتمالاً به صورتی گسترده تر نیز مطرح خواهند شد.<sup>۱۸</sup> آثاری چون تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نوشته ی دکتر علی اکبر ولایتی نیز که اخیراً منتشر شده است،<sup>۱۹</sup> از آن جایی که بخش مهم و درخور توجه آن بیش تر به دوره ی بعد از پذیرش قطع نامه ی ۵۹۸ و چگونگی اجرای آن اختصاص دارد و نه توضیح شرایطی که به قبول آن منجر شد، در این زمینه کمک نمی کند. ادامه ی خط مشی موجود در این باب، یعنی اصرار بر عدم انتشار و انعکاس دیدگاه های حاکم بر مدیریت و رهبری جنگ نیز فقط زمینه ساز کج فهمی های بیش تر خواهد بود.

در تاریخ جنگ ها و برخوردهای نظامی جهان، کم تر موردی را می توان یافت که از لحاظ نظامی مورد بحث و مناقشه نباشد. برای مثال همین جنگ دوم جهانی که کم تر نکته ای از آن مکتوم و بحث نشده مانده، هنوز با انبوهی از مباحث حل نشده روبه رو است؛ این که نیروهای آلمان در سال ۱۹۴۱ به جای تمرکز قوا در اطراف استالینگراد می بایست مسکو را هدف قرار می دادند؛ این که متفقین پس از چیرگی بر شمال آفریقا به جای لشکرکشی به ایتالیا می بایستی توان نظامی خود را صرف تصرف بالکان نمایند... و ده ها نمونه ی دیگر که هنوز هم در مورد آن ها اتفاق نظر وجود ندارد، خود بیانگر دشواری های نهفته در چنین ارزیابی هایی است؛ و این بحث ها و اختلاف نظرهایی است در مورد رهبری سیاسی و نظامی طرفین درگیر در جنگ جهانی دوم که هر یک، از مشورت عالی ترین مراجع دانش جنگ در دوره ی خود برخوردار بودند، وجود داشت تا چه رسد به تشکیلات برآمده از یک انقلاب گسترده که در رویارویی با یک جنگ تحمیلی، تقریباً همه چیز را از صفر شروع کرد. از این رو نگرانی هایی که در این زمینه وجود دارد، نگرانی های بی موردی است. عیب کار آن است که بحث جنگ و زیر سؤال بردن جوانبی از آن همان گونه که ملاحظه شد خواهی نخواهی جریان دارد و موضوعی نیست که با اجتناب مقامات ذی صلاح و مطلع از طرح آن ها، متوقف گردد. لهذا در چنین وضعیتی خودداری از ارایه ی اطلاعات و داده های دقیق و مستند فقط به کج فهمی بیش تر منجر خواهد شد.

در سال های اخیر، در کنار بررسی های تاریخی فوق الذکر برای شناخت ابعاد گسترده تر جنگ، تلاش های دیگری نیز

صورت گرفته است همانند اختصاص یک شماره از مجله‌ی سیاست دفاعی<sup>۲۰</sup>، از انتشارات پژوهشگاه علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، یا شماره‌ای از نامه‌ی پژوهش، فصل‌نامه‌ی تحقیقات فرهنگی وزارت ارشاد به موضوع جنگ...<sup>۲۱</sup> ولی کاملاً آشکار است که ابعاد بحث نشده و مورد مناقشه‌ی جنگ به مراتب گسترده تر از آن است که در چارچوب چنین تلاش‌های پراکنده‌ای جای گیرد. باز شدن جنبه‌های اساسی و بحث نشده‌ی جنگ، امر سهل و آسانی نیست و بدون تردید با تنش‌ها و اختلاف نظرهایی توأم خواهد شد، ولی نه فقط رشد و تعالی جریان نیرومند و معقولی که هم‌اکنون در حول و حوش تاریخ‌نگاری جنگ شکل گرفته است، بلکه جلوگیری از تبدیل آن به یک جریان حاشیه‌ای و جانبی که تنها هر از گاهی به مناسبت یک رشته یادبودهای رسمی مورد اشاره و تمجید قرار می‌گیرد در گرو این گشایش موضوعی است. علاوه بر این چنین به نظر می‌آید که حرکت مزبور از توانایی و اعتبار لازم جهت هدایت این بحث و جلوگیری از تبدیل آن به یک رشته برخوردارها و تصفیه حساب‌های جناحی نیز برخوردار باشد.



15- Abol Hassan Bani, My turn to Speak, Brasseys (US) INC., 1991, Chapters 6 to 10.

- ۱۶- پیام امروز، شماره ۶، اردیبهشت - خرداد ۱۳۷۴
- ۱۷- برای آگاهی از چارچوب کلی تر این موضوع بنگرید به سخنرانی سردار محسن رضایی در حسینیه‌ی شهید همت که در آن در باب "ابهام پیش آمده پس از آزادی خرمشهر" اشاره شده است. روزنامه جامعه، ۲۹ تیر ۱۳۷۷، ص ۲.
- ۱۸- برای نمونه بنگرید به گزارش نشریه‌ی شلمچه از مراسم گرامیداشت شهدای جنگ تحمیلی در سالروز قبول قطع نامه‌ی ۵۹۸ (شماره ۳۵، نیمه‌ی اول مرداد ۱۳۷۷). در کنار سخنان جالب توجه و مهم سردار محسن رضایی در این باب که نکات ناگفته‌ی بسیاری از تاریخ جنگ را شامل می‌شود، پرسش و پاسخ‌هایی نیز در پایان مراسم مطرح شد که از حساسیت و اهمیت کماکان برقرار موضوع جنگ حکایت دارد. علاوه بر این بنگرید به مصاحبه‌ی های بعدی همین نشریه (شماره‌ی ۳۷، نیمه‌ی اول شهریور ۱۳۷۷) با سردار محسن رضایی در باب جنگ.
- ۱۹- علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۲۰- سیاست دفاعی، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۷۶. دانشگاه امام حسین پیش از تدوین و انتشار این مجموعه‌ی در سال ۱۳۶۸ نیز نشستی را برای بررسی جنگ برگزار کرد که چندی بعد بخشی از مطالب مطرح شده در آن تحت عنوان مجموعه مقالات اولین نشست کنفرانس بررسی دفاع مقدس، تهران ۱۳۷۱ منتشر شد. تفاوت کیفی مطالب مجموعه‌ی بعدی - ویژه نامه‌ی سیاست دفاعی - در مقایسه با این مجموعه، بیانگر نقش مهم گذشت زمان است در کاهش بار عاطفی و احساسی این نوع بررسی‌ها.
- ۲۱- نامه پژوهش، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷

- 1- j. Anthony Gardner, The Iran War, A bibliography, Mansell Publishing Lim- ited, London, 1988.
- 2- Anthony H. Cordesman, The Iran-Irap War and Western Security 1984-1987, Janes Publishing Co. 1987; Efraim Karsh, The Iran-Iraq War: A Military Analysis, Adelphi Paper 220, IISS, London 1987, Efraim Karsh, ed. The Iran-Iraq War, Impact and Implications, Macmillan, London, 1989; Shahram Chubin and Charles Tripp, Iran and Iraq at War, I.B. Tauris, London, 1988.
- ۳- به عنوان نمونه می‌توان به کتاب کارنامه توصیفی عملیاتهای هشت سال دفاع مقدس، تهران: نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی - معاونت تبلیغات و انتشارات، ۱۳۶۷ اشاره کرد. و برای آگاهی بیشتر از این وجه تبلیغی - توجیهی و تأثیر منفی آن بر شناخت مقوله‌ی جنگ، بنگرید به سرمقاله علیرضا کمره‌ای در نامه پژوهش، "ویژه دفاع مقدس"، شماره ۹، تابستان ۱۳۷۷، صص ۳-۴.
- ۴- آشنایی با مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بی تا، ص ۱
- ۵- همان، ص ۲
- ۶- برای آگاهی بیشتر بنگرید به مقاله‌ی "آشنایی با مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ"، ضمیمه‌ی روزشمار جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ج ۴۰، صص ۵۹۷-۵۸۶
- ۷- در این رساله مجموعه‌ای از جداول و داده‌های مختصر در باب مراحل مختلف جنگ، مناطق درگیری، استعداد قوای رو در رو، تلفات و ضایعات دشمن منتشر شد. ناگفته نماند که گونه‌ی نسبتاً مفصل تری از این فهرست راهنما که نه فقط از جزئیات بیشتر، بلکه از انضمام یک رشته نقشه‌های راهنما نیز برخوردار بود در سال ۱۳۶۸ یعنی یک سال قبل از انتشار این جزوه، تحت عنوان کارنامه‌ی عملیات سپاه اسلام در هشت سال دفاع مقدس از سوی واحد تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران منتشر شد.
- ۸- برای آگاهی از دیگر عناوینی که قرار است در این مجموعه منتشر شود، بنگرید به پشت جلد نبرد العمیه.
- ۹- خرمشهر در اسناد ارتش عراق، تهران، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، حوزه هنری، ۱۳۷۵، ص ۴۶۴
- ۱۰- هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۶۴
- رساله " از انهدام تا تولدی دوباره: ارتش ایران"، نوشته هیکن به رغم اختصار، تصویر جالب توجهی از سرگذشت ارتش ایران در این دوره به دست می‌دهد:
- Hickman, William F., Ravaged and Reborn: The Iranian Army, Washington D.C., Brooking Institution, 1982.
- ۱۱- هشت سال دفاع مقدس، ج ۱، ص ۷۲ و ج ۲، ص ۷۵
- ۱۲- همان، ج ۳، صص ۳۱-۲۱
- ۱۳- همان، ج ۱، صص ۷۱ و ۱۵۸
- ۱۴- منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹.